

ناصرالدین شاه و خوشنویسی

مقدمه

در اواسط دور قاجار با رواج صنعت چاپ، استنساخ که کاربرد اصلی و زمینه‌ساز بیشترین تحولات خوشنویسی بود، از رونق افتاد. با این حال، چه پیش از رواج چاپ و چه پس از آن، نوآوریها و تحولات بسیاری در خوشنویسی این عهد روی داد که همه آنها را در دو جریان عمده می‌توان بررسی کرد: یکی ادامه و تکامل سنتهای پیشین خوشنویسی، که در قطعه‌نویسی و کتابت و کتیبه‌نگاری رخ نمود و نوآوریهای همان نوآوری در چارچوب سنت بود که گاه به گاه در هنرهای سنتی روی می‌داد، مانند شیوه کلهر در نستعلیق که با کوتاه کردن حروف کشیده و کوچک کردن دوایر، شیوه میرعماد را تکامل بخشید^۱ و عمادالکتاب آن را به دوره معاصر منتقل کرد. همچنین است کتیبه‌نویسی نستعلیق که از اواسط عهد صفوی رایج شد؛ اما کتیبه‌نویسان دوره قاجار، به‌ویژه میرزا غلام‌رضا اصفهانی، با اعمال تغییراتی جزئی اما مؤثر، آن را بهتر کردند.

حرکت فراگیر دیگری که در میان خوشنویسان عهد قاجار در جریان بود نوآوری هنرمندانی است که با ابداعاتی سعی کردند خوشنویسی سنتی را جوابگوی نیازهای روز کنند. گروهی از این تلاشها به ثمر رسید و گروهی نیز عقیم ماند. از نمونه‌های موفقیت‌آمیز شیوه نگارش کلهر است که نه تنها برای چاپ‌نویسی نتیجه‌بخش بود، بلکه در دوره بعد برای کتابت و قطعه‌نویسی نیز مقبول افتاد و طرفداران بسیار یافت. نمونه دیگر نقاشی خط سنتی است که به شکل‌های گوناگون در آثار سه تن از هنرمندان این عهد رخ نمود: اسماعیل جلایر با تلفیق خط و نقاشی مناظر؛ حسن زرین‌قلم با ترکیب قلم‌های گوناگون با دانگ‌های مختلف و استفاده از «شیوه گلزار» در آثارش؛ ملک‌محمد قزوینی با نازک کردن و افزودن شکل‌های گیاهی به انتهای حروف. اینان هر یک واضح شیوه‌ای ویژه بودند؛ اما کسی از آنان پیروی نکرد. همه این اهتمامها در سایه امنیت معیشتی و اجتماعی‌ای به بار نشست که شاهان و درباریان هنرپرور قاجار برای خوشنویسان فراهم آوردند. شاهان قاجار هم حامی هنرمندان بودند، و هم خود در هنرهای گوناگون طبع‌آزمایی می‌کردند. چهار پادشاه متوالی قاجار — فتح‌علی‌شاه و محمدشاه و ناصرالدین‌شاه و مظفرالدین‌شاه

عهد ناصری از دوره‌های درخشان تاریخ خوشنویسی ایران است. چند تن از بهترین نستعلیق‌نویسان تاریخ در این عهد ظهور کردند. شیوه‌های نوی برای برآوردن نیازهای روز تجربه شد، و بسیاری از قالبها و شیوه‌های پیشین تکامل یافت. از علل پیشرفت خوشنویسی در دوره ناصرالدین‌شاه یکی زمینه مناسبی بود که در دوره پدران او — فتح‌علی‌شاه و محمدشاه — مهیا شده بود؛ دوم اینکه ناصرالدین‌شاه در قیاس با دیگر شاهان قاجار محیطی مناسب‌تر برای فعالیت هنرمندان فراهم آورد و خود نیز با فراغتی افزون‌تر به یادگیری هنر می‌پرداخت. بی‌شک خوشنویسی بودن او در کنار علاقه‌اش به یادگیری دیگر هنرها عاملی مهم در تشویق هنرمندان زمانش بود. از ناصرالدین‌شاه آثاری به قلم نستعلیق و شکسته‌نستعلیق به جا مانده است. نسخه‌ها و مرقعات آن روزگار و نیز ارتباط برخی از هنرمندان با ناصرالدین‌شاه شواهدی برای شناسایی وضع خوشنویسی در آن دوره است.



ت ۱. ناصرالدین شاه،
قطعه‌ای به قلم نستعلیق،
مأخذ: خلیلی و دیگران،
هنر قلم، ص ۱۹

— که نزدیک به ۱۲۰ سال بر ایران حکم راندند، همگی خوشنویسانی قابل بودند. نمونه خطهایی که به قلمهای نستعلیق و شکسته‌نستعلیق از آنان به جا مانده گواه این سخن است.^۱ در این میان، بیشترین تحولات در دوره سلطنت ناصرالدین شاه روی داد و نیز گروهی از سرآمدان قلم نستعلیق در این عهد ظهور کردند. ناصرالدین شاه در قیاس با دیگر پادشاهان قاجار فضای اجتماعی و سیاسی نسبتاً آرامی برای عموم مردم و خواص هنرمند برقرار کرد.^۲ این آرامش نه تنها در پیشرفتهای هنری این دوره مؤثر بود، بلکه فراغت شاه از امور مملکت و توجهش به هنر را نیز افزون می‌کرد. بی‌شک خوشنویس بودن شاه بر ترغیب خاص و عام برای خطاط شدن و تشویق

هنرمندان به ابداع و نوآوری مؤثر بوده است. به دیگر سخن، ناصرالدین شاه خوشنویس در رأس حامیان و مشوقان هنر یکی از مسببان افزایش شمار خوشنویسان و به تبع آن بهبود کیفی و تنوع شیوه‌های خوشنویسی بود که نمود آن را در شمار فراوان و گاه بی‌مانند نسخه‌ها و مرقعات و قطعات این دوره می‌توان دید.

شاه خوشنویس

در تاریخ‌نامه‌ها از استادان خوشنویسی ناصرالدین شاه صریحاً یاد نشده است. تنها از این نکته یاد کرده‌اند که شاه کلهر را به حضور می‌خواند تا پیش او مشق کند و گاه‌گاهی از راه تفنن از روی سرمشقهای او می‌نوشت.^۳ بر اساس آثار به‌جامانده، او در نستعلیق و شکسته‌نستعلیق طبع آزمایی می‌کرد. از آثار او چهار قطعه و یک مرقع شعر بررسی شد، که سه قطعه به قلم شکسته‌نستعلیق، یک قطعه به قلم نستعلیق، و مرقعی به قلم شکسته تحریری است.

تصویر ۱ قطعه‌ای است سیاه‌مشق و به قلم نستعلیق خوب، که ظاهراً برای تمرین نوشته شده است؛ زیرا خوشنویس برخی از واژه‌ها را که از حیث خوشنویسی صحیح نیست نیمه‌کاره رها کرده و صورت بهترشان را دوباره نوشته است؛ مانند کلمه «هنگام» در سطر چهارم. با تکرار منظم کشیده‌ها، هماهنگی و ترکیب معتدلی در اثر به وجود آمده. پیداست صاحب اثر در نوشتن برخی حروف، مانند «ه»، کمی ضعیف است؛ گواه آن واژه نازیبای «هو» در گوشه بالای سمت راست و واژه «هم» در سطر سوم است. ناصرالدین حرف «ش» در واژه «خوش» در سطر نخست و «چهر» در سطر سوم و دیگر کشیده‌ها را بسیار خوب و تقریباً استادانه نوشته است. ترکیب‌بندی اثر فضایی آرام و چشم‌نواز دارد. شیوه کلی در نگارش مفردات همان شیوه رایج خوشنویسان قاجار است که پیرو میرعماد بودند. متن این قطعه در قسمت بالای سمت راست دو بیت از غزل سعدی است با این مطلع:

خوش بود یاری و یاری بر کنار سبزه‌زاری
مهربانان روی بر هم وز حسودان بر کناری



و در قسمت سمت چپ از پایین که وارونه است، پس از عبارت «هو الله تعالی» دو بیت از غزل دیگری از سعدی است با این مطلع:

هزار جهد بکردم که سز عشق بیوشم
نیود بر سر آتش میترم که نجوشم

رقم این اثر در گوشه بالای سمت چپ و به قلم شکسته تحریری چنین است: «شب دوم رجب المرجب که شب عید نوروز سلطانی است مشق شد... دوست علی خان پیش خدمت این قطعه را نگه دارد. فی شهر ... سنه ۱۲۷۱». بر طبق رقم، شاه قطعه را به دوست علی خان عطا کرده است. در کتاب مأخذ این تصویر نوشته اند: «ناصرالدین شاه در رقم فرمان داده که نوشته توسط خزانه دار، دوست علی خان، نگهداری شود»^۵. از این جمله چنین برمی آید که نویسنده از نکته ای ظریف غفلت کرده و عبارت رقم را فرمان شاه برای نگهداری اثر به دست خزانه دار تفسیر کرده است؛ در حالی که به گواهی دوست علی خان معیر الممالک (نوه دختری ناصرالدین شاه)، شاه در عید نوروز هر سال دستخطهایی از سر ملاطفت به دوست علی خان نظام الدوله معیر الممالک (نیای پدری دوست علی خان معیر الممالک)، که در آن وقت خزانه دار دربار بود، عطا می کرد.^۶ پس رقم این قطعه گواهی است بر تفقدی شاهانه و بیرون از فرمانهای اداری. در پیشانی قطعه، مهر مخصوص ناصرالدین شاه درون ترنج با زمینه لاجوردی نقش بسته است، و زمینه اثر را تذهیب تک رنگ طلائی و دور آن را تشعیر گل و بوته کار کرده اند.

این اثر تنها نمونه نستعلیق مشاهده شده از آثار ناصرالدین شاه است. نویسنده کتاب تاریخ مختصر خط و سیر خوشنویسی در ایران قطعه ای به قلم نستعلیق متوسط و بدون رقم اما با تاریخ ۱۳۱۷ق را از ناصرالدین شاه دانسته،^۷ که صحیح نیست؛ زیرا ناصرالدین شاه در سال ۱۳۱۳ق به قتل رسید.

تصویر ۲ قطعه ای است به قلم شکسته نستعلیق که بیت نخستش مطلع این غزل سعدی است:

خوش می روی تو تنها تنها فدای جانم
مجرور می گذاری دلهای دوستانم

سه بیت دیگر ابیاتی از غزل دیگری از سعدی است با این مطلع:

ت ۲. ناصرالدین شاه،
قطعه ای به قلم
شکسته نستعلیق، مأخذ:
خلیلی و دیگران، هنر
قلم، ص ۱۸

اگر تو فارغی از حال دوستان یارا
فراغت از تو میسر نمی شود ما را

این قطعه، بر خلاف سیاه مشقهای شکسته نستعلیق آن دوره، بسیار خلوت و آرام است. گویی ناصرالدین این قطعه را نیز برای قرین نوشتن است. شاه در سطر نخست واژه «فدای» را به گونه ای خاص نوشته که چندان مرسوم نیست. واژه های «ایستاده» و «لب» و «بیان» را در سطر هفتم و واژه های مشابه را بسیار خوب نوشته است. گویا او در کتابت حروف کشیده مهارت داشته، اما از عهده نوشتن واژه های پر پیچ و خم و غیر کشیده بر نمی آمده است.



ت ۳. سجع مهر
ناصرالدین شاه که بر
آثار آن زمان نقش بسته
(قلمی از ت ۲)

دو قطعه دیگر او که به قلم شکسته نستعلیق است، در رقم مورخ ۲۴ شوال ۱۲۸۱ ق و سنه ۱۲۸۴ ق است.^۹ اگرچه انتظار می‌رود پس از گذشت ده سال، در قیاس با اثر پیشین که به سال ۱۲۷۱ ق نوشته، پیشرفتی در خط شاه دیده شود، این آثار از نظر کیفیت خوشنویسی با اثر نخست چندان تفاوتی ندارد. او این قطعه‌ها را نیز به دوست‌علی‌خان معیرالممالک خزانه‌دار عطا کرده است. مضمون همه این قطعات غزلهایی است از سعدی.

نسخه‌نویسی در عهد ناصری

ناصرالدین شاه به گردآوری کتاب علاقه داشت و همین از علل رونق نسخه‌نویسی در آن عهد بود. کتابخانه سلطنتی که بر اساس کتابخانه‌های شاهان صفوی و هدایا و غنایم نادرشاه شکل گرفته بود، در زمان آقاجامحمدخان و فتح‌علی‌شاه در کاخ گلستان استقرار یافت پربرتر و غنی‌تر شد. مرقع گلشن از آثار مهمی است که در این کتابخانه نگهداری می‌شود. این مرقع را شخصی ناشناس در زمان ولی‌عهدی ناصرالدین شاه در تبریز به او هدیه کرد. به دستور شاه در سال ۱۲۶۳ ق این مرقع را به همراه چند نسخه خطی دیگر به کتابخانه افزودند. در حاشیه متصل به متن قطعه ۹۱ چنین نوشته‌اند: «این مرقع مال ناصرالدین شاه محمد غازی خلدالله دولته ان شاءالله تعالی غره جمادی الآخر ۱۲۶۳»^{۱۰} و نیز در حاشیه قطعه ۱۱۳ مهر پادشاهی و ولی‌عهدی ناصرالدین شاه با این سجع نقش بسته: «هو، شاه شاهان ناصرالدین» و «ولی‌عهد».^{۱۱}

علاقه شاه به جمع‌آوری کتاب سبب شد تا او هر جا کتاب باارزشی دید بخرد و به کتابخانه بیفزاید. مثلاً به دستور او تعدادی قرآن از نمایشگاه کتب خطی پاریس خریدند و به کتابخانه افزودند.^{۱۲} ناصرالدین شاه کلید و مهر مخزن کتابخانه را تنها نزد امینه‌اقدس، از بانوان مورد اعتمادش، سپرده بود و این بانو مسئول امانت دادن کتاب به درباریان و بازپس‌گیری آن بود. همه کتابهای کتابخانه به مهر ناصرالدین شاه مهور است.^{۱۳}

او علاوه بر جمع‌آوری کتاب، خود نیز به کتابت کتابهای بسیاری فرمود. از آن جمله است نسخه هزارویک شب. این نسخه در هنر دوره قاجار همان مقامی را دارد که شاهنامه بایسنقری در دوره تیموری، و نتیجه آخرین

چهار سطر پایانی، رقم اثر است: «در روز جمعه که باد شدیدی می‌آمد مشق شد. فی شهر جمادی الثانی سنه ۱۲۷۱ برای دوست‌علی‌خان خزانه‌دار». این قطعه را نیز همانند نمونه پیشین به دوست‌علی‌خان نظام‌الدوله خزانه‌دار عطا کرده است. در پیشانی این قطعه نیز سجع مهر ناصرالدین شاه نقش بسته و تذهیبش در قیاس با نمونه پیشین مفصل است و پرکار.

سجع مهر ناصرالدین شاه (ت ۳)، که بر اکثر نسخه‌ها و آثار هنری نقش بسته، در بالا عبارت «الملک لله تعالی» به قلم ثلث و گاه نستعلیق و در زیر آن بیت شعری است به قلم نستعلیق با این مضمون:

تا که دست ناصر دین خاتم شاهی گرفت
صیبت داد و معدلت از ماه تا ماهی گرفت

علاوه بر آثار یادشده، در کتابخانه کاخ گلستان مرقعی به شماره ۱۵۰۵ نگهداری می‌شود^{۱۴} که نام کاتب آن ناصرالدین شاه قاجار است (ت ۴). شاه این مرقع را، که مجموعه‌ای از اشعار خود اوست، در سال ۱۲۷۱ ق به قلم شکسته تحریری خوب کتابت کرده. قطعه نخست شعری است که در چهاردهم شوال ۱۲۷۱ ق در شیران سروده است، با این مطلع:

یار ما را سر پرسیدن بیمار بود
عجب از طالع تابنده که بیدار بود

اهمیت این مرقع بیشتر بدان سبب است که تنها مرقع به‌جامانده از ناصرالدین شاه است و محتوای آن نیز شعرهایی است که او خود سروده.

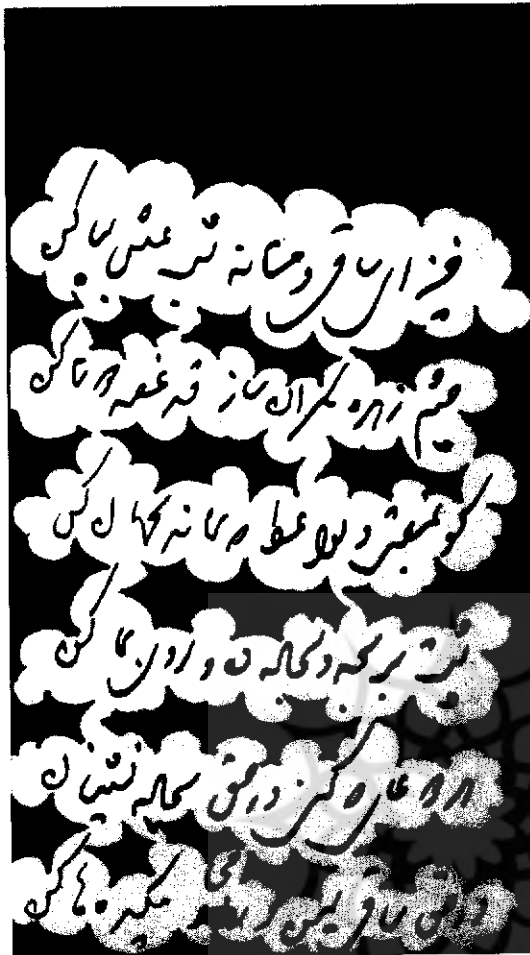


تلاش گروهی هنرمند است برای پدید آوردن اثری شاهانه.

عبداللطیف طسوجی داستان کهن هزارویک شب را در سال ۱۲۵۹ق به فرمان بهمن میرزا، والی آذربایجان، از عربی به فارسی ترجمه کرد و شمس الشعرا سروش اصفهانی اشعار آن را به نظم پارسی در آورد. این کتاب در سال ۱۲۶۱ق به خط میرزا علی خوشنویس در تبریز به چاپ سنگی رسید. داستان را در تبریز برای ناصرالدین شاه ولیعهد خواندند. او از همان زمان به فکر تهیه نسخه مصوری از آن افتاد و در همان سال جلوس بر تخت سلطنت، این فکر را عملی کرد. این نسخه زیر نظر صنیع‌الملک در مجمع‌الصنایع ناصری^{۱۳} به مدت هفت سال (۱۲۶۴-۱۲۷۱ق) به دست ۴۲ هنرمند در شش جلد کتابت و مصور و تجلید شد. محمد حسین تهرانی در مدت پنج سال (۱۲۶۴-۱۲۶۹ق) متن آن را کتابت کرد. سپس آن را برای مصورسازی و تذهیب و تجلید به صنیع‌الملک و همکارانش سپردند.^{۱۵} در صفحه سوم و چهارم، بر بالای صفحه در دو ترنج روی زمینه لاجوردی و به قلم شکسته تعلیق خوش، نام ناصرالدین شاه را به آب زر نوشته‌اند. دیباچه با این عبارت به پایان می‌رسد: «کمترین کاتبان حضرت سلطانی محمدحسین طهرانی تحریر نمود ۱۲۶۹».

مباشر تهیه این نسخه دوست‌علی خان معیرالممالک بود.^{۱۶}

هنرمندان عهد ناصری، چه آنان که در کارگاه سلطنتی فعالیت می‌کردند و چه آنان که بی ارتباط یا این



مکان بودند، نسخه‌ها و مرقعات زیادی برای ناصرالدین شاه و به نام او پرداختند. در کل، نسخه‌های به‌جامانده از آن دوره را که در آنها نام ناصرالدین شاه در آغاز یا انجام اثر آمده می‌توان به سه گروه تقسیم کرد:

۱. آثاری که شاه خود آنها را سفارش داده است؛ مانند:
 - ♦ دیوان عنصری (کتابخانه کاخ گلستان)، که ناصرالدین میرزای ولیعهد آن را سفارش داده و عبدالغفار تبریزی به قلم نستعلیق در سال ۱۲۶۳ق نوشته.^{۱۷}
 - ♦ شش دفتر کامل مثنوی معنوی به تاریخ ۱۲۷۹ق، که آن را سه تن از فرزندان سیداسماعیل قاضی کتابت و تزیین و تجلید کرده‌اند. خط آن را سیدمحمدحسین کاتب‌السلطان شیرازی، و خطوط رقاغ و سرکایت و عناوین را مهرعلی نوشته، و تذهیب آن از سیدعلی رضاست. از حیث رسم‌الخط و تزیین از شاهکارهای عصر ناصری به شمار می‌رود.^{۱۸}

ت ۵ (راست)
 عمادالسلطان ادر
 ده‌سالگی، صفحه
 پایانی نسخه منتخب
 گلستان سعدی، مأخذ:
 آتابای، فهرست نسخ
 خطی کتابخانه سلطنتی،
 ص ۶۱۹

ت ۴ (چپ)
 ناصرالدین شاه، صفحه‌ای
 از مرقع شعر به قلم
 شکسته عمربری، مأخذ:
 آتابای، فهرست مرقعات
 کتابخانه سلطنتی،
 ص ۵۳، بیت نخست این
 صفحه چنین است:
 خیز ای ساقی و مسانه
 شب عیش به پا کن /
 چشم زهره نگران ساز
 و قد غصه دو تا کن

در صفحه پایانی چنین نوشته‌اند: «حسب الاشارة اعلى حضرت ناصرالدين شاه ... اسدالله شیرازی... سنه ۱۲۶۸». پایان این قرآن یک صفحه الحاقی دارد به خط عبدالغفار تبریزی که چنین است: «این کلمات به تحریر چاکر درگاه آسمان جا عبدالغفار تبریزی است. فی شهر جمادی الثانی سنه ۱۲۷۰». گویا پس از وفات اسدالله شیرازی، عبدالغفار مأمور تجلید و تنظیم آن بوده است.^{۲۰}

۲. آثاری که به سفارش درباریان برای هدیه به شاه تهیه شده است؛ مانند:

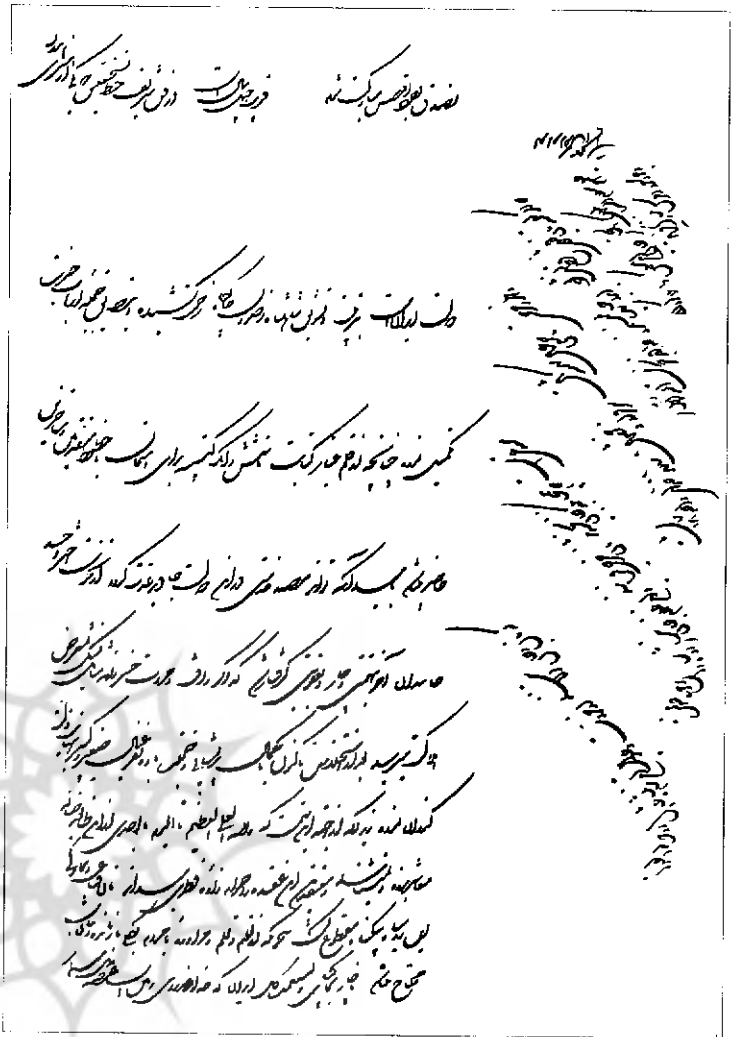
• دیوان حافظ به دستور ظل السلطان به خط محمدنقیب شیرازی و به قلم شکسته نستعلیق. در پیشانی ۳۷۲ صفحه از این دیوان، در میان سرترنجهای زمینه لاجوردی مذهب مرصع، نام و القاب ناصرالدین شاه را به قلم ثلث نگاشته‌اند. پایان این دیوان قصیده‌ای است که کاتب در مدح ناصرالدین شاه و چگونگی خط آموزی خود سروده و آن را چنین به پایان رسانده است:

کرد مرقوم محمد علی این حافظ شاه
تا که در محزون شه بحر گهر محزون شد
فتح شد حافظ شاه از بی تاریخ نقیب
دید با حافظ شاه ای عجا مقرون شد
فی شهر رمضان المبارک ۱۲۹۵

صفحه نخست و دوم این نسخه تماماً تذهیب مرصع دارد که اثر میرزا یوسف مذهب‌باشی است به شیوه تذهیب کاران شیراز.^{۲۱}

۳. آثاری که هنرمندان برای هنرغای و عرض ارادت به شاه هدیه کرده‌اند. این آثار کمتر کتاب و بیشتر قطعه و مرقع است؛ مانند:

• یک نسخه مصحف به قلم نسخ به خط مریم‌بانو نایینی (کتابخانه کاخ گلستان)، از معدود هنرمندان زن ایران که در ردیف استادان قلم نسخ قرار گرفت. او این قرآن را در سال ۱۳۰۲ق به ناصرالدین شاه تقدیم کرد. این اثر از بهترین نمونه آثار هنری زنان این دوره است.^{۲۲} صفحه آغازین این نسخه چنین رقم دارد: «امروز که ... سریر سلطنت دولت علیه ایران به وجود مبارک ... ناصرالدین شاه ... مزین است ... این کمیته کنیز دیرینه را هم که تکلیفش پنه‌ریسی بود خیال خوشنویسی



- منتخی از گلستان سعدی به تاریخ ۱۳۰۵ق و به خط محمود بن مصطفی عمادالسلطان، که آن را در ده سالگی به قلم نستعلیق نوشته است (ت ۵).
- منتخبات اشعار حافظ، که محمود بن مصطفی عمادالسلطان در ۱۳۰۷ق در سیزده سالگی کتاب کرده و ناصرالدین شاه در صفحه نخست این کتاب چنین نوشته: «پسر حسام‌السادات نوشته است. الحق که در این سن کم بسیار خوب نوشته است. در مراجعت از سفر سوم فرنگستان در طهران به حضور آورده است. سنه ۱۳۰۷ ربيع الاول اودئیل». شاید لقب «عمادالسلطان» را نیز ناصرالدین شاه به او عطا کرده باشد.
- مصحفی به قلم نستعلیق از اسدالله شیرازی (ف ح ۱۲۶۸ق) در قطع رحلی (کتابخانه کاخ گلستان).

ت ۶. میرزا غلامرضا اصفهانی، نامه به ناصرالدین شاه پس از خلاص از زندان، مأخذ: سهیلی خوانساری، مرقع نگارستان، ص ۶.

این دوره شهرهای تبریز و اصفهان و به ویژه شیراز فعالیت چشم‌گیر داشتند.

میرزا رضا کلهر

بی شک میرزا رضا کلهر مشهورترین خوشنویس دوره قاجار است. دوره فعالیت کلهر با سلطنت ناصرالدین‌شاه هم‌زمان بود. ناصرالدین‌شاه از او خواست تا در اداره انطباعات قبول عضویت کند؛ اما میرزا نپذیرفت و به همین قناعت کرد که برای امرار معاش، گه‌گاه سفارشهایی از محمدحسن‌خان صنایع‌الدوله بپذیرد.^{۲۸} علاوه بر این، اندکی شاگرد نیز می‌پذیرفت، که اغلب فرزندان دربار بودند. در اواخر عمر، شوق زیارت حرم امام رضا (ع) سبب شد که با ناصرالدین‌شاه در سفر دومش به خراسان همراه شود. او در این سفر روزنامه‌/ اردوی همایونی و سفرنامه‌های سفر دوم ناصرالدین‌شاه را نوشت. یکی از این سفرنامه‌ها در راه سفر و دیگری در سال ۱۳۰۶ق در تهران چاپ شد. بیشتر آثار به جا مانده از او همانهایی است که در همان زمان به چاپ سنگی رسید؛ از آن جمله است:

◆ مخزن الانشاء، که گویا کلهر نیز در انتخاب مراسلاتش نقش داشته است،

◆ منتخب‌السلطان، که دربرگیرنده غزلهایی است از حافظ و سعدی به انتخاب ناصرالدین‌شاه،

◆ فیض‌الدموع، رساله غدیریه، نصایح الملوک.^{۲۹}

میرزا غلام‌رضا اصفهانی

میرزا غلام‌رضا اصفهانی، بر خلاف کلهر، از ابتدای جوانی در دربار بود. میرزا غلام‌رضا مدتی معلم مشق درباریان بود. نخستین بار محمدشاه او را تشویق کرد. در دوره ناصری در همان‌جا به فعالیت هنری‌اش ادامه داد. در آن زمان بیشتر با دوست محمدخان معیرالممالک در ارتباط بود؛^{۳۰} چنان‌که در رقم بی‌تاریخ یکی از آثارش که سوره «فاتحه‌الکتاب» را به قلم شکسته‌نستعلیق ممتاز نوشته، از دوست محمدخان با عنوان «ولی نعمت حقیقی» یاد کرده است. شهرت و اعتبار میرزا به جایی رسید که به استناد نامه‌ای^{۳۱} که در ۲۵ سالگی خطاب به ناصرالدین‌شاه نوشته، در آن وقت به دوستان تن از فرزندان دربار و مستوفی زادگان مشق خط می‌داده است. این شهرت و مقام ارجمند سبب شد که دشمنان در حقش سعابت و به

دامن‌گیر شد ... پیشکش نمود... حرره مریم من نواده مرحوم حاج عبدالوهاب نائینی اعلی‌الله مقامه فی شهر جمادی الاولی من شهر سنه ۱۳۰۲».^{۳۲}

◆ کلیات سعدی به قلم شکسته‌نستعلیق خوب با تاریخ ۱۲۷۱ق و به خط عبدالله بن حاجی آقاجانی اصفهانی. شرح تقدیمی آن در دو صفحه پیش از شروع کتاب میان دو ترنج با حاشیه تزیینی به قلم شکسته‌نستعلیق نوشته‌اند. در پیشانی همین صفحه بین دو ترنج توری شکل، نام و القاب ناصرالدین‌شاه را به قلم ثلث با آب زر نوشته‌اند و سجع مهر ناصرالدین‌شاه در صفحه دوم است.^{۳۳}

◆ مرقع خط که مجموعه‌ای است از اشعار ترکی و فارسی و چند آیه از قرآن کریم در ده قطعه متصل به هم. این مرقع را محمدرضا بهائی العاملی در سال ۱۲۶۹ق نوشته است.^{۳۴}

وجه مشترک بیشتر این نسخه‌ها این است که در پیشانی یک یا چند صفحه آنها، نام و لقب ناصرالدین‌شاه را در ترنجی مذهب، اغلب به خط ثلث و کمتر به اقلام دیگر مانند تعلیق و نستعلیق، نوشته‌اند. در مرقعات نیز اغلب سجع مهر ناصرالدین‌شاه در صفحات نخست و آخر مرقع نقش بسته است.

بدین گونه، شمار نسخه‌ها و مرقعات کتابخانه کاخ گلستان به حدی رسید که تنها در بین سالهای ۱۳۱۳ و ۱۳۱۷ش، سیزده‌هزار نسخه خطی و چاپی به همراه شمار زیادی قطعات خوشنویسی و نقاشی از این کتابخانه خارج و به کتابخانه وزارت معارف منتقل شد.^{۳۵}

خوشنویسان مشهور و ارتباط آنان با ناصرالدین‌شاه

توجه شاه به خوشنویسی سبب شد که خوشنویسان به صور گوناگون با دربار در ارتباط باشند تا از حمایتها و تشویقهای شاه بهره‌مند شوند. برخی از ایشان مستقیماً در کارگاه سلطنتی فعالیت می‌کردند و اغلب به عناوین کاتب‌السلطان و اشرف‌الکتاب و خوشنویس‌باشی^{۳۶} مفتخر می‌شدند و دیگران بیرون از کارگاه، گه‌گاه سفارشهایی می‌گرفتند. خوشنویسان دور از پایتخت با حاکمان محلی در ارتباط و تحت حمایت آنان بودند. در



طبع آزمایی کردند، بهترین این آثار سیاه‌مشق‌هایی است که میرزا در سالهای ۱۲۸۵ق تا ۱۳۰۳ق نوشت. در میان آثار او دو قطعه مشاهده شد که به مولودی‌نامه مشهورند. مولودی‌نامه متنی است برای ثبت تاریخ تولد. گویا نوشتن این قطعات در عهد قاجار رواج یافت.^{۳۴} تصویر ۷ قطعه‌ای است سیاه‌مشق به قلم نستعلیق و نمونه‌ای است از این آثار که میرزا آن را به مناسبت تولد دوست‌علی‌خان با چنین مضمونی نوشته است: «هو الحفیظ تاریخ ولادت خداوندزاده معظم دوست‌علی‌خان سعادتمند، فرزند دوست‌محمدخان معیرالممالک مدظله‌العالی سنه ۱۲۹۳ یا علی مدد است».

متن برخی از مولودی‌نامه‌ها را به نظم درآورده‌اند، مانند نمونه‌ای که تاریخ ولادت حسین‌علی‌خان، فرزند دوست‌محمدخان، و عصمت‌الدوله، دختر ناصرالدین‌شاه، را در قطعه شعری گنجانده‌اند و میرزا غلام‌رضا آن را به قلم نستعلیق ممتاز نوشته است. تاریخ تولد فرزند، و احتمالاً تاریخ کتابت این اثر، پنج‌شنبه هجده جمادی‌الاول ۱۲۸۹ق است.^{۳۵}

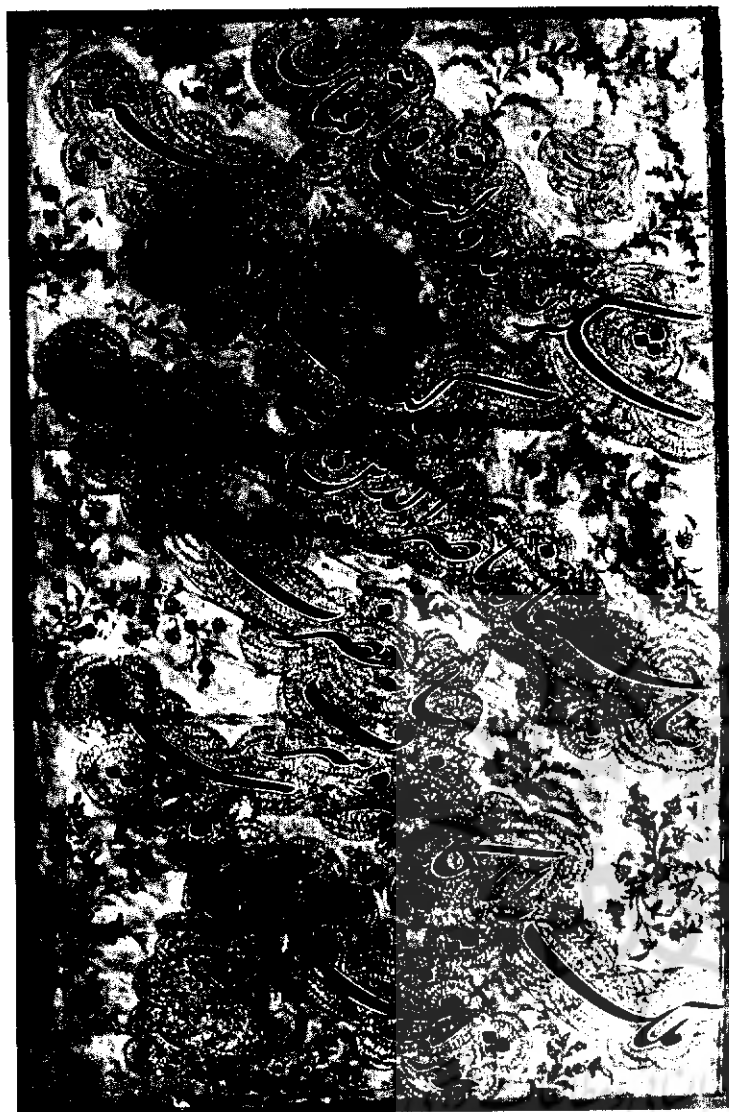
میرزا غلام‌رضا برخی از کتیبه‌های مدرسه سه‌سالار را نیز نوشت. از او نامه‌ای به قلم شکسته‌نستعلیق در دست است^{۳۶} که در آن گزارش داده که کتیبه‌های جلوخان مسجد را نوشته و قرار است کتیبه‌های صحن را آغاز کند. تاریخ این نامه ذی‌الحجه ۱۳۰۲ق است؛ اما معلوم نیست که نامه خطاب به چه کسی است. بحث در مورد کیفیت نگارش این کتیبه‌ها نیازمند تحقیق است. میرزا غلام‌رضا در روز پنج‌شنبه چهارم ربیع‌الثانی ۱۳۰۴ق در گذشت.

محمدحسین شیرازی

محمدحسین شیرازی بیشتر آثارش را به نام و برای ناصرالدین‌شاه نوشته و شاه نیز به آثار او رغبت فراوان داشته است. به استناد گزارشی که از زندگی‌اش در پایان یک نسخهٔ مثنوی معنوی نوشته، به واسطهٔ یکی از درباریان جزوه‌ای از مثنوی را به ناصرالدین‌شاه تقدیم کرد و بسیار تشویق شد. شاه به او دستور داد تا این نسخه را به پایان برساند. پس از اتمام این نسخه در سال ۱۲۷۹ق، شاه او را به لقب «کاتب‌السلطان» مفتخر کرد. به گواهی مهدی بیانی، او یکی از ده تن خوشنویس درجهٔ اول

بایگري متهمش کردند.^{۳۴} به دستور شاه او را به زندان افکندند؛ اما با شفاعت دوست‌محمدخان از زندان خلاص یافت و برای جبران این لطف، دعای «نادعلی» را به قلم نستعلیق جلی به آب زر نوشت و به دوست‌محمدخان هدیه کرد. نامه‌ای که میرزا در طلب بخشش و بهره‌مندی دوباره از عنایات دربار خطاب به ناصرالدین‌شاه نوشته گواهی است بر اوضاع نابسامان معیشتی او پس از این واقعه (ت ۶).^{۳۳} میرزا افزون بر نستعلیق، شکسته‌نستعلیق را نیز بسیار نیکو می‌نوشت. از او آثاری به شیوه و رقم درویش عبدالمجید طالقانی (ف ۱۱۸۵ق) در دست است. با این حال، شهرت او در سیاه‌مشق‌نویسی نستعلیق است. اگرچه بسیاری از خوشنویسان آن عهد در سیاه‌مشق

ت ۷. میرزا غلام‌رضا اصفهانی، مولودی‌نامهٔ دوست‌علی‌خان معیرالممالک، مأخذ: بیاض و سیرت‌نویس خط، ص ۱۷۶.



ت ۸. میرزا غلامرضا
اصفهای، قطعه‌ای بدون
تاریخ

شعرهایی در مدح او می‌نوشت و به دربار می‌فرستاد. در
پایان یکی از مرقعاتش، این قطعه را نوشته است:

شکر لله به دولت و اقبال
حضرت شاه دین‌پناه رسید
خلق را از ورود موکب او
سر رفعت به مهر و ماه رسید^{۴۰}

این شعر یادآور ورود ناصرالدین‌شاه به تهران است در
سال ۱۲۶۴ق برای تاج‌گذاری.

در جایی دیگر چنین نوشته است:
خواستم کز طریقه دلخواه
آورم تحفهای به حضرت شاه

کاتب نستعلیق است و پس از او کاتبی به زبردستی‌اش
نیامده است. تاریخ وفاتش معلوم نیست؛ اما پس از قتل
ناصرالدین‌شاه، تا سال ۱۳۱۶ق در دربار مظفرالدین‌شاه
به فعالیت ادامه داد.^{۳۷} آثاری که پیش از سال ۱۲۷۹ق
نوشته رقم «محمدحسین شیرازی» دارد؛ اما آثاری
که پس از این تاریخ در دربار کتابت کرده لقب
«کاتب السلطانی» را نیز به همراه دارد.

از جمله آثار او یک نسخه دیوان ناصرالدین‌شاه به
قلم کتابت نستعلیق جلی است که در سال ۱۲۷۲ق، هفت
سال پیش از آنکه به دربار راه یابد، نوشته و به شاه هدیه
کرده است. پاره‌ای از متن پایانی این نسخه چنین است:
به خاطر فاتر این قاصر ... چنین رسید که ... شاید
از انقاس همایون چون در محضرش تحفه بری خود را
از محنت و زنج بری بداری و از حسن تربیتش محط
مرحمت شایان و مهبط عواطف نمایانت فرماید.^{۳۸}

از این نوشته چنین برمی‌آید که او این نسخه را برای
معرفی خود به شاه کتابت کرده؛ اما مشخص نیست که چرا
در همان زمان از عنایت شاه برخوردار نشده است.

از دیگر آثار محمدحسین شیرازی یک قطعه
مولودی‌نامه است که آن را به مناسبت تولد پسر سفیر
عثمانی به سال ۱۲۹۷ق در دربار ناصرالدین‌شاه نوشته
است. از آنجا که روز تولد او با تولد علی (ع) مصادف
بود، کودک را علی نام نهادند و شاه او را به «کامیار»
ملقب کرد. شوکت، شاعر دربار، تاریخ تولد را به صورت
ماده تاریخی در قطعه شعری گنجانده و محمدحسین شیرازی
آن را به قلم کتابت نستعلیق عالی نوشت. تذهیب این اثر
از عبدالوهاب مذهب‌باشی است.^{۳۹}

چند قطعه شعر کتابت‌شده در مدح شاه

خوشنویسان برای عرض ارادت شعرهایی در مدح شاه
می‌نوشتند و به او تقدیم می‌کردند. برخی از این اشعار
را نیز خود می‌سرودند. بحث در چگونگی این اشعار در
حوصله این نوشتار نیست؛ اما چون برخی از آثار با
اهمیت این دوره چنین متناهی دارد، از چند نمونه یاد
می‌شود.

اسدالله شیرازی در زمان بیماری محمدشاه به اصفهان
رفت و پس از بر تخت نشستن ناصرالدین‌شاه، همچنان در
اصفهان ماند؛ اما برای یادآوری خود به شاه، گه‌گاه قطعه

متن این اثر ابیات دیگری است از قطعه شعری که اسدالله شیرازی نوشته. برخی این شعر را سرودهٔ هبوی دانند. یکی دیگر از آثارش، که در اواخر عمر نوشته، این بیت است (ت ۹):

هوالمعز
شاهها من از به چرخ بر آرم سر
خاک ره تو هست به سر افسر
یا علی مدد است سه ۱۳۰۳ قی

این قطعه یکی از بهترین آثار سیاه‌مشق میرزا غلام‌رضا به شمار می‌رود.

اثر دیگری که بیتی است از حافظ، با توجه به رقم آن می‌توان حدس زد که میرزا آن را برای ناصرالدین‌شاه نوشته:

می‌شکفتم ز طرب زانکه چو گل بر لب جوی
بر سرم سایهٔ آن سرو سهی بالا بود
در نزد قبلهٔ محترم
یا علی مدد است سه ۱۲۸۸ الفقیه غلام‌رضا غفر له^{۴۱}

نمونه‌های یادشده تنها متن چند اثر از دو خوشنویس بود. شمار دیگری قطعه و مرقع در مدح ناصرالدین‌شاه در کتابخانهٔ کاخ گلستان هست که شایان بررسی و تدقیق است؛ مثلاً یک مرقع خط از کاتبی به نام فیروز قاجار، که در بردارندهٔ اشعاری است به فارسی و ترکی در مدح و وصف ناصرالدین‌شاه، که به اصل یا تصویر آنها دست نیافتیم.^{۴۲}

نتیجه

می‌توان دو عامل کلی برای شکوفایی خوشنویسی در عهد ناصری شناسایی کرد: نخست آن که فتح‌علی‌شاه و محمدشاه پیش از ناصرالدین‌شاه زمینهٔ فعالیت را برای خوشنویسان فراهم کرده بودند. چنان‌که دیدیم، چند تن از خوشنویسان شهر عهد ناصری، مانند اسدالله شیرازی و محمدحسین تهرانی و میرزا غلام‌رضا اصفهانی، از تربیت‌یافتگان دورهٔ پیش بودند. این زمینه چنان بود که حتی اگر ناصرالدین‌شاه یکسره به خوشنویسی بی‌علاقه بود، باز هم این فعالیتها، اگرچه شکوفاتر نمی‌شد، ادامه می‌یافت. عامل دوم طبع و خوی هنرپرور ناصرالدین‌شاه بود. علاقهٔ او به خوشنویسی اگرچه از او خوشنویس درجهٔ اولی ناساخت، زمینه‌ساز ظهور خوشنویسان درجه



در ضمیر آنچه نقش می‌بستم
بهر از خط نیامد از دستم

ت ۹. میرزا غلام‌رضا
اصفهانی، قطعه
سیاه‌مشق، مأخذ: مرقع
رنکین، ص ۲۵.

متن سه نمونه از آثار میرزا غلام‌رضا اصفهانی هم بدین شرح است:
در قطعه‌ای بدون رقم و تاریخ، این سه بیت شعر را نوشته است (ت ۸):

شکر الله به دولت و اقبال
موکب شاه دین‌پناه رسید
شاه جم‌جاه ناصرالدین‌شاه
سایهٔ حضرت اله رسید
ملک را پایگاه عز و شرف
برتر از فرق مهر و ماه رسید

اول شد. طبع آزمایشهای او در هنر سبب شد درباریان به تقلید از شاه به خوشنویسی بپردازند، و این خود به بازار خوشنویسان رونق داد. دیگر آنکه خط‌شناسی‌اش که از راه مشقهای تفتنی به دست آمده بود، سبب شد هنرمندان دربار آثارشان را به بهترین شکل ممکن عرضه کنند تا در نظر نقاد شاه شایان توجه و تشویق افتد.

البته در کنار عواملی که یاد شد، از ظهور نوابغ نیز نباید غافل بود که درخشش آنان چندان به مساعدت اوضاع وابسته نیست. مثلاً کلهر اگرچه در عهد ناصری و در اوضاع رونق بازار خوشنویسی فعالیت می‌کرد، پیشرفت هنری‌اش چندان به این اوضاع و احوال مساعد متکی نبود. او با قناعت‌پیشگی و بی‌علاقگی به شهرت و ثروت، در کنار میل افزون به مشق، در هر وضعی می‌توانست با کتابت و آموزش خط روزگار بگذراند و بدرخشد. □

کتاب‌نامه

- مرقع رنگین، (متخفی از آثار نفیس خوشنویسان بزرگ ایران)، تهران، انجمن خوشنویسان ایران، ۱۳۶۴.
- مستوفی، عبدالله، شرح زندگانی من (تاریخ اجتماعی و اداری قاجاریه)، تهران، زوار، ۱۳۷۱.
- Khalili, Nasser et al. *Collection of Nasser Khalili*, London, 1997, 27 vols., vol. 23.
- پی‌نوشتها:**
۱. برای آگاهی بیشتر، نک: «شرحی بر احوال و آثار میرزا محمدرضای کلهر خوشنویس»، در: آیدین آغداشلو، از خوشی‌ها و حسرت‌ها، ص ۲۶.
 ۲. برای مشاهده برخی از این آثار، نک: علی راهجیری، تاریخ مختصر خط و سیر خوشنویسی در ایران، بخش تصاویر؛ دوست‌علی‌خان معیرالممالک، یادداشتهای از زندگانی خصوصی ناصرالدین‌شاه، ص ۱۳۹ و ۱۴۱.
 - Nasser Khalili et al, *Collection of Nasser Khalili*, vol. 23, pp. 111, 112.
 ۳. سر یرسی سایکس، تاریخ ایران، ج ۲، ص ۵۳۷.
 ۴. آیدین آغداشلو، همان، ص ۱۴.
 ۵. ناصرخلیلی، هنر قلم، ص ۱۷.
 ۶. دوست‌علی‌خان معیرالممالک، همان، ص ۳۲.
 ۷. علی راهجیری، همان، بخش تصاویر.
 ۸. بدری آتابای، فهرست مرقعات خطی کتابخانه سلطنتی، ص ۵۲.
 ۹. برای مشاهده این آثار نک: دوست‌علی‌خان معیرالممالک، همان، ص ۱۳۹ و ۱۴۱.
 ۱۰. این قطعه مجلس شاهانه است از میران‌شاه پسر تیمور صاحب‌قران.
 ۱۱. بدری آتابای، فهرست نسخ خطی کتابخانه سلطنتی، ص ۱۰ و ۱۱.
 ۱۲. در مأخذ تاریخ این واقعه ذکر نشده است.
 ۱۳. همان، ص ۳۹.
 ۱۴. این مکان را امیرکبیر در دوره کوتاه صدارتش برای هنرمندان ساخت، که عبارت بود از حجره‌های گوناگون که در هر حجره گروهی از هنرمندان و صنعتگران با دستیارانشان به اجرای سفارشهای درباریان و مردم می‌پرداختند و می‌توان گفت بهترین استادکاران آن زمان در این مکان گرد آمده بودند. یکی از این حجره‌ها سرای بزرگ نقاشان بود که صنایع الملک و سی و چهار همکارش در آنجا کار می‌کردند. — یحیی ذکاء، زندگی و آثار استاد صنایع الملک، ص ۳۰.
 ۱۵. محمدحسن سمسار، کاخ گلستان، ص ۲۲۲.
 ۱۶. یحیی ذکاء، همان، ص ۳۱.
 ۱۷. مهدی بیانی، احوال و آثار خوشنویسان، ص ۴۰۵.
 ۱۸. بدری آتابای، همان، ص ۳۲۱.
 ۱۹. مهدی بیانی، همان، ص ۸۸۳.
 ۲۰. همان، ص ۶۳.
 ۲۱. بدری آتابای، همان، ص ۴۰۸ و ۴۰۹.
 ۲۲. حبیب‌الله فضائلی، اطلس خط، ص ۳۶۳.
 ۲۳. مهدی بیانی، همان، ص ۱۲۱۵.
 - آتابای، بدری. فهرست مرقعات کتابخانه سلطنتی، تهران، ۱۳۵۳.
 - _____ فهرست دیوانهای خطی کتابخانه سلطنتی، تهران، ۱۳۵۵.
 - آغداشلو، آیدین. از خوشی‌ها و حسرت‌ها، تهران، آتیه، ۱۳۷۸.
 - بیانی، مهدی. احوال و آثار خوشنویسان، ج ۴، تهران، علمی، ۱۳۶۳.
 - پیدایش و سیر تحول خط، تهران، بساوی، ۱۳۵۷.
 - خلیلی، ناصر و دیگران. هنر قلم، ترجمه پیام بهتاش، تهران، کارنگ، ۱۳۷۹.
 - دوست‌علی‌خان معیرالممالک، یادداشتهای از زندگی خصوصی ناصرالدین‌شاه، تهران، تاریخ ایران، ۱۳۶۲.
 - ذکاء، یحیی. زندگی و آثار صنایع الملک، ویراسته سیروس پرهام، تهران، مرکز نشر دانشگاهی، ۱۳۸۲.
 - راهجیری، علی. تاریخ مختصر خط و سیر خوشنویسی در ایران، تهران، عماد، ۱۳۴۵.
 - _____ «غلام‌رضا اصفهانی»، در: هنر و مردم، سال ۱۴، ش ۶۷ (۱۳۵۵).
 - سر یرسی سایکس، تاریخ ایران، ترجمه سیدمحمدتقی فخر داعی گیلانی، تهران، بیک ایران، ۱۳۸۰.
 - سمسار، محمدحسن. کاخ گلستان (گزیده‌ای از شاهکارهای خوشنویسی و نگارگری)، تهران، زرین و سیمین و کاخ گلستان، ۱۳۷۹.
 - سهیلی خوانساری، احمد. مرقع نگارستان، تهران، یازنگ، ۱۳۶۱.
 - سودآور، ابوالعلاء. هنر دربارهای ایران، تهران، کارنگ، ۱۳۸۰.
 - فضائلی، حبیب‌الله. اطلس خط، اصفهان، مشعل، ۱۳۶۲.

۲۴. بدری آتابای، همان، ص ۵۴۳ و ۵۴۴.
۲۵. همان، ص ۴۷.
۲۶. همان، ص ۴۰.
۲۷. این عناوین به ترتیب لقب محمدحسین شیرازی و زین‌العابدین اصفهانی و میرحسین تبریزی (معلم خط مظفرالدین‌شاه) است. لقب کاتب‌السلطان از دیگر القاب رایج‌تر بود؛ چنان‌که در همان عهد، چند نفر به این لقب مفتخر بودند، مانند محمدحسین تهرانی و حسین مخصوص.
۲۸. آیدین آغداشلو، همان، ص ۱۴.
۲۹. عبدالله مستوفی، شرح زندگانی من، ص ۲۳۷-۲۴۴.
۳۰. احمد سهیلی خوانساری، مرقع نگارستان، ص ۳ و ۴.
۳۱. برای مشاهده تصویر این نامه، نک: همان، ص ۳۰.
۳۲. در جایی دیگر، علی زاهدگیری زندانی شدن میرزا را به خاطر جعل حواله بانصد تومانی دانسته که گویا صحیح نباشد؛ نک: علی زاهدگیری، «غلامرضا اصفهانی».
۳۳. سهیلی خوانساری، همان، ص ۴ و ۵.
۳۴. گفتگوی نگارنده با استاد آیدین آغداشلو در ۹ تیر ۱۳۸۶.
۳۵. برای مشاهده تصویر این اثر، نک: همان، ص ۵۲.
۳۶. برای مشاهده تصویر این نامه، نک: همان، ص ۴۲.
۳۷. مهدی بیانی، همان، ص ۶۸۷-۶۹۰.
۳۸. همان، ص ۶۹۳.
۳۹. برای مشاهده تصویر این اثر، نک: ابوالعلاء سودآور، هنر دربارهای ایران، ص ۳۹۷.
۴۰. مهدی بیانی، همان، ص ۶۰.
۴۱. برای مشاهده تصویر این آثار، نک: سهیلی خوانساری، همان، ص ۳۳ و ۴۹.
۴۲. بدری آتابای، فهرست مرقعات خطی کتابخانه سلطنتی، ص ۸ و ۹ شرح تصاویر.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی